

ادارک امنیت محله‌ای و استفاده از فضاهای عمومی: تفاوت‌های جنسی و سنی در مرکز شهر تهران

ابوالفضل مشکینی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

حجت‌اله رحیمی*

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

اسماعیل صالحی

دانشیار گروه برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست دانشگاه تهران

چکیده

امر مسلم این است که شهروندان باید بدون توجه به شرایط جنسی و سنی بتوانند به فضاهای عمومی دسترسی داشته باشند. با وجود این، ساختارهای اجتماعی، بی‌نظمی‌های اجتماعی و کالبدی و ویژگی‌های فردی موجب تفاوت میان گروه اجتماعی مردان و زنان از نظر ادراک امنیت اجتماعی می‌شود و تفاوت در ادراک، سبب نابرابری در استفاده از فضاهای عمومی می‌شود. هدف پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل تفاوت‌های فوق در محله‌ی دوازده شهر تهران در قالب شش زیرگروه سنی و جنسی و از طریق پرسشنامه بود. نتایج نشان می‌دهد که به استثنای زنان ۶۰ ساله و بیشتر، مردان در مقایسه با زنان از فضاهای عمومی بیشتر استفاده می‌کنند. ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه‌ی معناداری میان میزان استفاده از فضاهای عمومی و نحوه‌ی ادراک امنیت اجتماعی وجود دارد. همچنین، تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر ادراک امنیت اجتماعی نشان داد که ویژگی‌های محیط اجتماعی بیشتر از ویژگی‌های فردی اهمیت دارند. بر این اساس، متغیر انسجام اجتماعی در گروه زنان و متغیر حمایت اجتماعی در گروه مردان بیش‌ترین نقش را در تبیین متغیر ادراک امنیت اجتماعی دارد.

*نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۷/۲۵

واژگان کلیدی

ادراک امنیت اجتماعی؛ فضاهای عمومی؛ زنان؛ مردان؛ محلهٔ نه منطقهٔ دوازده شهر تهران

مقدمه

در سال‌های اخیر مسألهٔ ادراک امنیت و جرم در مرکز شهرها هدف بسیاری از استراتژی‌های شهری قرار گرفته است (پین^۱ و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۰۵). در طی این سال‌ها نظریهٔ سلسله‌مراتب نیازهای انسانی ماسلو مکرراً تکرار شده است که در آن نیازهای واقع در پایین سلسله‌مراتب نیازها مانند احساس امنیت محله‌ای باید ارضاء شود تا به ظهور نیازهای پایه‌ای سطح بالا مانند مشارکت در اجتماع و احساس تعلق محله‌ای منجر شود. در بالاترین بخش هرم ماسلو نیازهای مرتبط با خودشکوفایی قرار دارد که حضور در فضاهای عمومی زمینهٔ اصلی برای پرورش و ظهور آن است. بنابراین، استفاده از فضاهای عمومی با موضوع ادراک امنیت درهم‌تنیده می‌شود. پدیدهٔ ادراک یک فرایند ذهنی است که طی آن تجارب حسی معنادار می‌شود (ایروانی و همکاران، ۱۳۷۱، ۲۶). امر مسلم این است که ساکنان باید بتوانند این نیازها را بدون توجه به شرایط جنسی و سنی برآورده سازند. پژوهش‌های متعددی پیرامون ادراک امنیت افراد با توجه به سن (مای^۲ و همکاران، ۲۰۱۰؛ فرانکلین^۳ و همکاران، ۲۰۰۹؛ نلیس^۴، ۲۰۰۹؛ کالانان^۵ و همکاران، ۲۰۰۹) و جنس (ملتزر^۶ و همکاران، ۲۰۰۷؛ جانیس^۷، ۱۹۹۷؛ وارد^۸، ۱۹۹۸؛ پین، ۱۹۹۵) انجام شده است. همچنین در پژوهش‌های خارجی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. نیومن^۹ و همکاران (۱۹۸۲) در پژوهش خود دربارهٔ «تأثیر اندازهٔ ساختمان بر جرم علیه اشخاص و ترس از جرم» نشان داد که اندازهٔ ساختمان از طریق کنترل ساکنان و استفاده از فضای بیرون آپارتمان بر ترس از جرم و جرم علیه اشخاص اثرگذار است. والتاین گیل^{۱۰}

1. Pain
2. May
3. Franklin
4. Nellis
5. Callanan
6. Meltzer
7. Janice
8. Ward
9. Newman Oscar
10. Valentine Gill



(۱۹۸۹) در مقاله «جغرافیای ترس زنان» نتیجه‌گیری می‌کند که استفاده محدود زنان از فضا در نتیجه حضور مردسالاری در فضاهای شهری است. کاسکالا^۱ و همکاران (۲۰۰۰) در اثر خود «بازبینی ترس و مکان: ترس زنان از حمله و محیط انسان ساخت» در شهرهای ادینبورگ و هلسینکی دریافتند که موقعیت ترس زنان از حمله در هر دو شهر، به طور مکرر ذکر شده است که دال بر تأثیر محیطی است که در آن تجربه ترس داشته‌اند. هم چنین، ماهیت اجتماعی این دو مکان متفاوت نیز سبب ادراک متفاوت ترس می‌شود. زیرا هلسینکی مکان امن‌تری در مقایسه با شهر ادینبورگ است و این بر نظرات آن‌ها تأثیر می‌گذارد. کارمیچل^۲ و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهش خود درباره «بیکاری مردان و جرم» دریافتند که در انگلیس و ولز رابطه مثبت و سیستماتیکی بین وقوع جرم و بیکاری مردان، بدون توجه به سن آن‌ها وجود دارد. استین^۳ و همکاران (۲۰۰۲) در کار خود «تأثیر شرایط محله‌ای بر درک ایمنی» با بررسی متغیرهای کمی و کیفی رابطه بین شرایط محله و مفهوم ایمنی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که کیفیت مسکن و محله بر رضایت خاطر افراد درباره درک ایمنی و نیز، رضایت خاطر از محیط فیزیکی آن‌ها تأثیرگذار است. نایاک^۴ (۲۰۰۳) در مقاله خود با نام «همراه با چشم کودکان: کودکی، مکان و ترس از جرم» با تأکید بر لزوم مداخله و مشارکت نظر کودکان در برنامه‌ریزی برای امنیت شهرها دریافتند که بین جغرافیای فرهنگی زندگی کودکان و ترس ارتباط معناداری وجود دارد. که در صورت بی‌توجهی به نیاز آن‌ها موجبات فقدان حضور و استفاده آن‌ها از فضا می‌شود. ویتلی^۵

و همکاران (۲۰۰۴) در اثر خود با نام «ترس از جرم، حرکت و سلامتی روانی در مرکز شهر لندن» گروه شامل مادران بچه‌دار و با درآمد پایین، مردم سالخورده و بیماران روحی را بر اساس جنسیت، سن و وضعیت سلامت روحی انتخاب کردند. مادران بچه‌دار با درآمد کم، در مقایسه با گروه‌های دیگر، بیشتر از جرم و ناامنی می‌ترسیدند. این امر، سبب ایجاد نابرابری در استفاده از زمان و مکان خاص می‌شود و رفتار فضایی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چونگ

-
1. Koskela Hill
 2. Carmichael
 3. Austin
 4. Nayak
 5. Rob Whitley

هوانگ آه^۱ (۲۰۰۵) در کار خود «سازمان نیافتگی اجتماعی و میزان جرم در مرکز شهرهای ایالات متحده: تبیین تغییرات اقتصادی شهر» دریافتند که که افول اقتصاد شهری در مرکز شهر به سازمان نیافتگی اجتماعی و افزایش جرم منجر می‌شود.

پژوهش‌های انجام شده در کشور ما اندک است و در سال‌های اخیر به صورت پژوهش‌های دانشگاهی به طور محدود بررسی شده است. برای مثال حسینی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی معیارهای فیزیکی و عملکردی بر شاخص امنیت در فضاهای عمومی شهری» دریافت که با افزایش جمعیت در محدوده پارک، میزان امنیت کاهش می‌یابد و با افزایش تنوع کاربردی و بهبود آن‌ها، میزان امنیت افزایش می‌یابد. ضابطیان طرقي (۱۳۸۷) نیز در اثر خود «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت زنان در محیط شهر» با استفاده از آزمون‌های آماری اثبات می‌کند که با افزایش تنوع و تراکم کاربری‌های شهری و هم‌چنین از طریق افزایش حضور زنان در فضاهای شهری، امنیت زنان در محیط شهری بهبود می‌یابد. خاموشی (۱۳۸۷) با تأکید بر «نقش طراحی شهری در ایجاد مکان‌های امن با توجه به بهبود الگوهای رفتار اجتماعی» نتیجه می‌گیرد که طراحی شهری می‌تواند از طریق تغییر در کالبد فیزیکی فضا، مانع از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و ارتکاب به جرم شود.

هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی و تحلیل زیر گروه‌های سنی - جنسی بر اساس ویژگی ادراک امنیت اجتماعی و استفاده از فضاهای عمومی است. زیرا همان‌گونه که گفته شد حضور در فضاهای عمومی، زمینه اصلی را برای پرورش و ظهور نیاز خودشکوفایی شهروندان فراهم می‌کند و یکی از عواملی که سبب حضور یا فقدان حضور افراد در این فضاها می‌شود، چگونگی ادراک این فضاها از نظر امنیت اجتماعی توسط افراد و گروه‌های مختلف است. انتظار می‌رود که بین ادراک امنیت اجتماعی و استفاده از فضاهای عمومی ارتباط معناداری وجود داشته باشد. هم‌چنین در این پژوهش عوامل مؤثر بر ادراک امنیت اجتماعی تحلیل شد تا در انتخاب راهبردهای ارتقا امنیت محله‌ای استفاده شوند. آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌های انجام شده متمایز می‌کند تأکید هم‌زمان بر تفاوت‌های درون گروهی (زیرگروه‌های سنی) و میان گروهی (گروه‌های سنی و جنسی) از نظر استفاده از فضاهای عمومی و ادراک امنیت محله‌ای و هم‌چنین بررسی ارتباط میان امنیت محله‌ای و استفاده از فضاهای عمومی است.



رویکردهای نظری پژوهش

مرکز شهر یک فضای عمومی است که به بخشی از محیط فیزیکی اشاره دارد که از کارکرد و بار معنایی جمعی بهره‌مند است (مدنی پور، ۲۰۰۳: ۳) و هر کس حق دارد از نظر فیزیکی به آن دسترسی داشته باشد (مدنی پور، ۲۰۰۳: ۹۹). فضای عمومی مکانی برای بیان تنوع، تولید یک فرایند داد و ستد و آموزش تحمل و شکیبایی است و مفهوم شهروندی عمدتاً با تعیین کیفیت و نحوه دسترسی به آن تعریف می‌شود. چند ظرفیتی بودن، مرکزیت و کیفیت فضای عمومی بسترساز اراده کاربردهای متفاوت در آن می‌شود. تا آنجا که از آن به عنوان مدرسه تمدن‌سازی تمجید می‌شود (آسیرنو و مازا، ۲۰۰۹: ۳). فضای عمومی به دلیل این که در شرایط عادی نشانه‌ای از هژمونی اجتماعی ارائه نمی‌دهد، ارزشمند به نظر می‌رسد. با این مقدمه، به جای خصوصی‌سازی، باید به احیاء آن اقدام کرد. زیرا تخریب این فضاها به خلق جامعه‌ای منجر خواهد شد که قادر با تعامل اجتماعی نیست (آسیرنو و مازا، ۲۰۰۹: ۳).

مکتب جغرافیای رفتاری معتقد است که جهان واقعیت در فرایند گذر از صافی فرهنگی و ابعاد ذهنی فرد به صورت جهان ادراکی مطرح می‌شود. بدین‌سان، در جامعه‌ای که فضای عمومی جایگاه و فلسفه کارکردی خود را از دست بدهد، ادراک شهر برای گروه‌هایی که در این فضاها حضور می‌یابند، ممکن است بسیار ناامن باشد.

ویژگی‌های محیط اجتماعی محله، ویژگی‌های بصری کالبدی و اجتماعی آن و تجربه‌ها و ویژگی‌های فردی از عوامل مهم در تبیین ادراک امنیت محله‌ای هستند که موضوع پژوهش نیز پیرامون این عوامل سازماندهی می‌شود.

متداول‌ترین نظریه‌ها برای تشریح تأثیر ساختار اجتماعی بر افزایش جرم و کاهش امنیت نظریه «سازمان نیافتگی اجتماعی»^۳ (اوه، ۲۰۰۵: ۵۷۰) و نظریه «پیوند افتراقی»^۵ است که انطباق زیادی با شرایط مرکز شهرها دارند. نظریه اول بر ارتباط متقابل میان جرم (ناامنی) و ویژگی‌های خاص محله‌های مختلف، به ویژه تحرک سکونت‌ی آن‌ها تأکید

-
1. Madanipour
 2. Acierno & Mazza
 3. social disorganization
 4. Oh
 5. differential association

دارد (کادوالدر،^۱ ۱۹۸۵: ۱۴۳) و استدلال می‌کند که میزان بالای ورود و خروج افراد به کاهش انسجام اجتماعی (احساس اعتماد به ساکنان، درک ارزش‌های مشترک با افراد، روحیه کمک کردن به اعضای محله، مشارکت در حل مشکلات، توافق بر سر مسائل) منجر می‌شود و بستری برای رفتار منحرفانه فراهم می‌کند (کادوالدر، ۱۹۸۵: ۱۴۳). اصطلاح «سازمان نیافتگی اجتماعی» به فقدان توانایی ساختار اجتماع برای درک ارزش‌های مشترک ساکنان خود و حفظ کنترل و نظارت اجتماعی کارا اشاره دارد (کاوچی^۲ و همکاران، ۱۹۹۹: ۷۲۱).

نظریه «پیوند افتراقی» رفتار مجرمانه را نتیجه فرایند اجتماعی شدن می‌داند و معتقد است که ارتکاب به عمل جرم توسط نوجوانان متأثر از محتوای اجتماعی رشد و زندگی آن‌ها است (کادوالدر، ۱۹۸۵: ۱۴۴). این نظریه علت میزان بالای جرم در برخی محله‌ها را در مفهوم «تضاد هنجاری» جستجو می‌کند و معتقد است که رفتار مجرمانه در گام اول مستلزم یادگیری مهارت‌ها و تکنیک‌های انجام جرم و در گام دوم نیازمند تعریف و تبدیل معیارهای نامطلوب به مطلوب است (ماتسودا^۳، ۲۰۱۰: ۱۲۶۱).

نظریه سازمان نیافتگی اجتماعی و نظریه پیوند افتراقی چارچوب مناسبی برای تشریح ویژگی‌های محیط اجتماعی محله و ابعاد وابسته به آن یعنی شبکه اجتماعی (یا شبکه ارتباطات اجتماعی که یک فرد را در بر گرفته است مانند تعداد دوستان، عضویت در سازمان‌های اجتماعی، میزان صمیمیت با اعضای محله)، حمایت اجتماعی (حمایت عاطفی، ابزاری و مالی در زمان ناراحتی و مشکلات) و انسجام اجتماعی فراهم می‌آورد (جسوس^۴ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۰۰۷).

در کنار ویژگی‌های محیط اجتماعی، عامل تجربه‌ها و ویژگی‌های فردی نیز بر ادراک امنیت محله‌ای اثرگذار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که «جنسیت» ثابت‌ترین و اثرگذارترین متغیر مستقل اثرگذار بر ترس از جرم است (مای و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۶۰). هر چند مردان میزان بالاتری از قربانی شدن را تجربه کرده‌اند (آستین^۵ و همکاران، ۲۰۰۲: ۴۱۸)، اما زنان در مقایسه

-
1. Cadwallader
 2. Kawachi
 3. Matsueda
 4. Jesus
 5. Austin



با مردان ترس بیشتری را گزارش می‌دهند (پین، ۲۰۰۰: ۳۷۴؛ کالانن و همکاران، ۲۰۰۹؛ فرگسون و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۳۵؛ کاواچی و همکاران، ۱۹۹۹: ۷۲۱). از این مسأله با عنوان «تضاد ترس-جنس» یاد می‌شود (مای و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۶۰). جدیدترین تبیین برای این تضاد تحت عنوان نظریه «سایه» بیان شده است که معتقد است زنان به دلیل غلبه تهدیدات جنسی بیشتر از آن که شانس قربانی شدن داشته باشند، می‌ترسند. با وجود این، برخی از مطالعات میزان بالاتری از ترس را در میان مردان گزارش داده‌اند (پین، ۲۰۰۰: ۳۷۴).

تأکید بر سن به عنوان یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار بر این فرض استوار است که افراد در طی مسیر زندگی خود تجربه‌هایی را کسب می‌کنند که بر ادراک آن‌ها تأثیر می‌گذارد. با وجود این، همواره با افزایش سن، ترس از جرم نیز افزایش نمی‌یابد (جانیس، ۱۹۹۷: ۶۹۹).

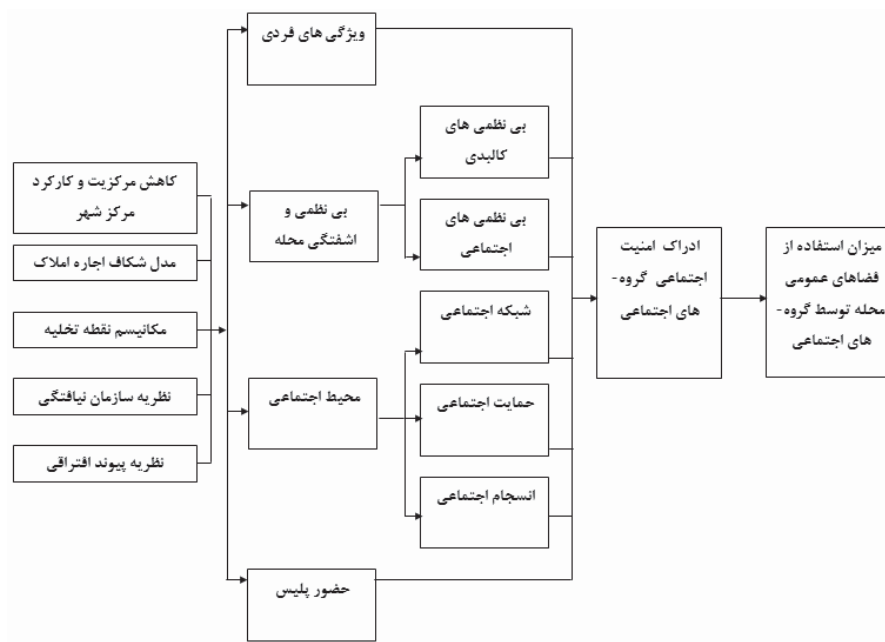
«پایگاه اجتماعی و اقتصادی» نیز بر شکل‌گیری ادراک شهروندان تأثیر می‌گذارد. برای مثال، در مطالعات جانیس^۲ (۱۹۹۷: ۷۰۵)، افرادی که پایگاه اقتصادی بهتری داشتند، از سیستم‌های امنیتی در خانه و ماشین خود استفاده کرده بودند و این مسأله بر آرامش آن‌ها تأثیر مثبت داشت. در مقابل، معمولاً گروه‌های کم‌درآمد و ضعیف ترس بیشتری از محیط پیرامون خود دارند و اگر دارای تجربه‌های شخصی نامطلوب باشند، از حضور در فضاهای عمومی پرهیز می‌کنند (مای، ۲۰۱۰: ۱۷۴). هم‌چنین ناهنجاری‌های شناختی گروه‌های باسواد نسبت به محیط کمتر است (نیسلن^۳ و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۰) برداشت معقولانه‌تری از آن دارند.

«مدت اقامت در محله و محل تولد افراد» نیز بر ادراک افراد و میزان وقوع جرم اثرگذار است. در نواحی که میزان اجاره‌نشینی بالا است، ساختار اجتماعی نیز تغییرات مداوم و شدیدی دارد (کادوالدر، ۱۹۸۵: ۱۴۳). مستاجران به دلیل تعلق نداشتن به مکانی خاص و در صورت وجود سایر عوامل مانند فقر به راحتی مرتکب جرم می‌شوند. بنابراین، افراد بر اساس محل تولد و مدت اقامت خود (بومی یا غیر بومی بودن) به این تغییرات توجه نشان می‌دهند و ممکن است ادراک ناامنی به آن‌ها دست دهد.

1. Gender-fear paradox

2. Janice

3. Nielsen



شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش

بی نظمی کالبدی (وجود زمین های خالی و مخروبه، آراستگی و نظافت محله، دیوارنویسی، روشنایی، تنگی و خلوت بودن کوچه، شلوغ بودن کوچه) و بی نظمی اجتماعی (وجود ولگردان خیابانی و گروه های خلافکار، فروش مواد مخدر و مشروبات، وجود افراد بی خانمان) یکی دیگر از عواملی است که بر ادراک امنیت تأثیرگذار است. معمولاً، ترس از جرم علیه افراد و اموال در یک محیط خاص تشدید می شود. پژوهش ها در این زمینه به طور بارزی بر محیط های تاریک، خلوت، بدون جاذبه و متروکه تأکید دارند (پین، ۲۰۰۰: ۳۶۹). هر چه میزان بی نظمی کالبدی و اجتماعی در یک محله بیشتر باشد، احتمال این که ساکنان احساس آسیب پذیری و اضطراب بیشتری در رابطه با جرم نشان دهند، بیشتر می شود (فرگسون، ۲۰۰۷: ۳۲۵). به طور کلی، تخریب محیط کالبدی و اجتماعی به دلیل کاهش مرکزیت مراکز شهری، فقدان سرمایه گذاری در ساختمان ها (پاکیون، ۲۰۰۵: ۴۳۴). انتقال خانه ها به جمعیت اغلب



کم‌درآمد بر اثر مکانیسم نقطه تخلیه (هاگت، ۱۳۷۹: ۲۶۴) و تقسیم مجدد خانه‌های اجاره‌ای به ابعاد کوچک‌تر به منظور جبران شکاف میان اجاره زمین بالقوه و بالفعل (شماعی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۲۴) است. در شکل ۱ چارچوب نظری مستخرج از مباحث نظری ارائه شده در این بخش نشان داده شده است.

ناحیه مورد مطالعه

محله‌نُه با مساحتی در حدود ۱۶۱ هکتار، در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۳۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه و طول جغرافیایی ۵۱ درجه ۲۴ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه واقع شده است (شکل ۲). بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵) ۹۱۳۰ نفر در محله‌نُه ساکن هستند که ۲۷،۵۶٪ جمعیت کل ناحیه، ناحیه‌سه منطقه دوازده تهران (۳۳۱۲۴ نفر جمعیت) را تشکیل می‌دهد. ۱۹،۸۵٪ (۱۸۱۳ نفر) از جمعیت محله را مهاجران تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت محله‌نُه در سال ۱۲۴۸ ه.ش، در حدود ۲۶۶۷۴ نفر بود (اتحادیه، ۱۳۷۴: ۱۵۱) که در مقایسه با سال ۱۳۸۵ جالب توجه است. این محله از نظر تعداد دکان (۶۸۵ دکان) به منزله شاخص مشارکت در امر تجارت دارای رتبه اول بود (همان، ۱۵۲). به دلیل آن‌که محله‌نُه ستون فقرات ارتباطی شهر را تشکیل می‌داد و مردم ناگزیر بودند که گاه تا روزی چند بار از بازار عبور کنند، از پویایی و سرزندگی کافی بهره‌مند بود. چون بازار در تقاطع مذهب، اقتصاد و سیاست قرار داشت، طبقات و نیروهای اثرگذار سیاسی کشور مانند تجار، شخص شاه و مجتهدان و روحانیان در آن حضور داشتند (اتحادیه، ۱۳۷۴: ۱۰۳) که حضور نیروهای نظامی بهبود امنیت محله را سبب می‌شد.

در سال ۱۲۸۱ ه.ش، بیشتر جمعیت این محله را بازاری‌ها تشکیل می‌دادند (اتحادیه، ۱۳۷۴: ۱۶۳). محله دولت به عنوان محله جدید شکل گرفت و عده زیادی از ثروتمندان و شاهزادگان از محله بازار به محله دولت تغییر مکان دادند. هم‌چنین، سفارت انگلیس و سفارت‌خانه‌های جدید مانند سفارت آلمان و عثمانی سابق در محله دولت احداث شد (همان، ۱۶۲).

با بهبود نسبی امنیت در دوره پهلوی دیوارهای شهر تهران در سال ۱۳۱۱ ه.ش، تخریب شد (مجته‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۲۳) و موجبات توسعه فضایی شهر و رکود بیشتر بخش‌های مرکزی

و از جمله محله‌نُه فراهم شد. توسعه خانه‌های نو در بافت میانی و جدید، از سال‌های ۱۳۴۰.ش به بعد، این فرصت را پدید آورد تا دارایی‌های مرکز شهر بر اثر پدیده فیلترینگ به خانواده‌های فقیرتر برسد. در نتیجه در کنار تراکم شغلی، تراکم جمعیتی در بخش مرکزی شهر افزایش یافت و پدیده فرسودگی و خرابه‌نشینی برای اولین بار مطرح شد (رضوانی، ۱۳۸۰، ۷۵) و از این طریق بسترهای ناامنی و وقوع جرم شکل گرفت. طرح جامع تهران (۱۳۴۶.ش) نیز با تأکید بر توسعه برون‌زا از ساماندهی محله‌نُه و محله‌های اطراف آن امتناع ورزید.



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی محله‌نُه (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵؛ شهرداری تهران، ۱۳۸۱).

پس از انقلاب اسلامی، توجه به عمران منطقه دوازده افزایش یافت و مراکز حکومتی مهمی چون نهاد رهبری در آن مستقر شد و تلاش شد تا منطقه دوازده احیا شود (شهرداری تهران، ۱۳۸۱: ۱۰). با وجود این، در حال حاضر نفوذ فعالیت‌های تولیدی به بخش مسکونی،



جمعیت‌گریزی محلات مسکونی، ایجاد کانون‌های نابهنجار اجتماعی و فرهنگی، تخریب روزافزون بافت، ناکافی بودن زیرساخت‌ها و فقدان پیوند میان بخش مسکونی و بخش تجاری از جمله ضعف‌های محله است (شهرداری تهران، ۱۳۸۱: ۴۴).

برخی معتقد هستند که احداث خیابان‌های ویترونی در کنار خیابان‌های اصلی، فعالیت بازار را از نظر حوزه عملکرد جغرافیایی وسعت بخشید (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۸). با وجود این، انتقال فعالیت خرده‌فروشی سبب تبدیل بازار به مکان صرف عمده‌فروشی شد و به دلیل کاهش ارزش مسکن کاربری‌های تجاری نامطلوب و انبارها به بخش مسکونی نفوذ کرد و مردان به عنوان گروه اجتماعی بی‌رقیب، بخش عمده این فضا را اشغال کردند. اقشار مرفه شهری که در گذشته برای تهیه و خرید بعضی کالاها ناگزیر بودند به بازار بروند (همان: ۵۸)، از حضور در این فضا بی‌نیاز می‌شوند و فضا در اختیار گروه اجتماعی کم‌درآمد قرار می‌گیرد که بر کاهش امنیت اجتماعی و احساس ناامنی بی‌تأثیر نخواهد بود.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر بر توصیف، آزمون همبستگی و رابطه وابستگی میان متغیرها مبتنی بود. داده‌های مورد استفاده از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شد. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش از آزمون کروسکال والیس، به منظور آزمون فرضیه سوم آزمون ضریب همبستگی پیرسون و به منظور آزمون فرضیه چهارم از ضریب همبستگی پیرسون و روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد تا سهم هر یک از متغیرهای اثرگذار بر ادراک امنیت اجتماعی معلوم شود.

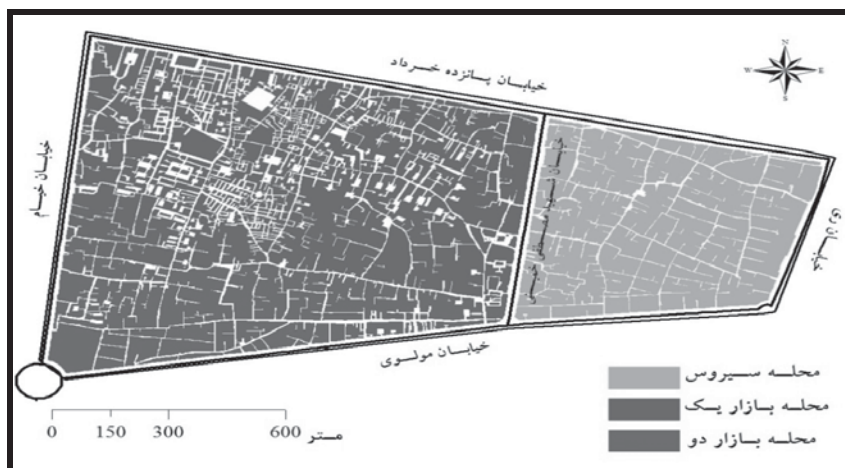
پژوهش حاضر با هدف آزمون فرضیه‌های اصلی زیر سازماندهی شده است:

- زیرگروه‌های سنی - جنسی از نظر ادراک امنیت اجتماعی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.
- زیرگروه‌های سنی - جنسی از نظر استفاده از فضاهای عمومی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.
- میان متغیر ادراک امنیت اجتماعی و متغیر میزان استفاده از فضاهای عمومی ارتباط معناداری وجود دارد.

• ویژگی‌های محیط اجتماعی، بی‌نظمی‌های اجتماعی و کالبدی و ویژگی‌های فردی بر ادراک امنیت اجتماعی زیرگروه‌های سنی - جنسی اثرگذار است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام افراد بالای ۱۵ سال و ساکن در محله نُه منطقه دوازده شهر تهران بود. تعیین حجم نمونه بر اساس روش کوکران ۳۶۲ نفر برآورد شد. به منظور مطالعه دقیق‌تر، جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی از نوع انتساب بهینه و بر اساس خصوصیت سن و جنس به شش زیرگروه تقسیم شد (جدول ۱). هم‌چنین، توزیع فضایی جنسی و سنی جامعه نیز بررسی شد و بلوک‌هایی که تعداد افراد بیشتری داشتند، تعداد بیشتری از نمونه‌ها را نیز به خود اختصاص دادند (شکل ۳، جدول ۱). در ضمن، انتخاب نمونه‌ها به صورت تصادفی و از طریق تکمیل پرسشنامه میسر شد. برای افزایش روایی، گویه‌های پرسشنامه از پرسش‌های استاندارد در پژوهش‌های مشابه و در کشورهای دیگر استخراج شد. آزمون پایایی پژوهش نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد که برای ۴۱ گویه پرسشنامه برابر با ۰،۷۶۸، محاسبه شد.

جدول ۱: زیرگروه‌های مورد مطالعه، توزیع فضایی و حجم نمونه در محله نُه (ماخذ داده‌ها: مرکز آمار ایران)

	محله سیروس		محله بازار ۱		محله بازار ۲		
	جمعیت کل	حجم نمونه	جمعیت کل	حجم نمونه	جمعیت کل	حجم نمونه	
مرد ۱۵-۲۵	۱۰۳۱	۵۰	۲۵۲	۱۲	۴۴۰	۲۱	
مرد ۲۵-۵۹	۱۷۳۷	۸۴	۲۵۰	۱۲	۳۶۲	۱۷	
۶۰ ساله و بیشتر مرد	۳۴۰	۱۶	۴۴	۲	۵۹	۳	
زن ۱۵-۲۵	۷۴۵	۳۷	۷۳	۴	۲۳	۱	
زن ۲۵-۵۹	۱۴۷۸	۷۳	۱۴۶	۷	۵۲	۳	
۶۰ ساله و بیشتر زن	۳۴۹	۱۷	۴۰	۲	۱۸	۱	
جمع	۵۶۸۰	۲۷۷	۸۰۵	۳۹	۹۵۴	۴۶	



شکل ۳: پراکندگی فضایی جامعه نمونه در محله نُه

یافته‌های پژوهش

درک مفهوم امنیت از منظر گروه‌های اجتماعی

به منظور سنجش ادراک امنیت محله‌ای از زیرگروه‌های مورد نظر (جدول ۱) خواسته شد تا به سؤالات زیر در قالب طیف لیکرت پاسخ دهند: (۱) اگر هنگام شب به تنهایی در محله رفت و آمد کنید احساس امنیت دارید؟؛ (۲) اگر هنگام روز به تنهایی در محله رفت و آمد کنید احساس امنیت دارید؟؛ (۳) آیا اگر تنها در خانه باشید در را به روی هر کسی باز می‌کنید؟؛ (۴) آیا هنگام رفت و آمد بسیار نگران آسیب دیدن خود و یا اموال خود هستید؟؛ (۵) آیا از حضور در بعضی از مکان‌ها و خیابان‌های محله خودداری می‌کنید؟.

شرایط محله نُه در شب و روز بسیار متفاوت است. شب بسیار خلوت است و سکوت و خلوتی با تعطیلی کارگاه‌ها و مغازه‌های عمده فروشی آشکار است. هنگام روز جمعیت انبوه وارد محله می‌شود و سبب ناهمگونی و ایجاد شرایط اجتماعی و جمعیتی ناامن می‌شود. با وجود این، برون‌داد حاصل از شرایط متفاوت (خلوتی شب و شلوغی در روز) تا حدودی یکسان است.

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده و با استفاده از آزمون کای اسکویر ادراک امنیت در

جامعه نمونه در سطح معناداری ۰/۰۵، در شب و روز پایین است و محدود به بخش خاصی از زمان نیست، بلکه با زندگی ساکنان محله پیوند خورده است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که میزان امنیت اجتماعی از نظر جامعه نمونه در شب و روز پایین تر از حد انتظار است. به منظور آزمون تفاوت زیرگروه های مورد نظر از نظر ادراک امنیت اجتماعی از آزمون کروسکال والیس استفاده شد (جدول ۲) که نشان دهنده تفاوت معنادار میان زیرگروه ها در شب و در روز است.

جدول ۲: آزمون کای اسکویئر برای سنجش ادراک امنیت اجتماعی در محله نُه

امنیت در شب	امنیت در روز	
۴۰/۷۴۰	۳۷/۳۷۷	Chi-Square
۵	۵	درجه آزادی
/۰۰۰	/۰۰۰	سطح معناداری
متغیر گروه بندی شده: گروه های اجتماعی		

به منظور تکمیل فرایند تحلیل، زیرگروه های مورد نظر به صورت جفتی با یکدیگر مقایسه شد (جدول ۳) تا زیرگروه هایی که سبب تفاوت معنادار درون گروهی و میان گروهی شده اند، مشخص شوند. در مجموع، به غیر از گروه زنان ۶۰ ساله و بیشتر که در مقایسه با گروه مردان ۶۰ ساله و بیشتر از نظر ادراک امنیت امتیاز بیشتری کسب کرده اند، مردان در مقایسه با زنان امنیت بیشتری در شب و در روز دارند. که نشان می دهد الزاماً با افزایش سن، ادراک امنیت اجتماعی کاهش نمی یابد.



جدول ۳: مقایسه جفتی گروه‌ها از نظر ادراک امنیت در محله نُه

سطح معناداری	مقدار آماره من ویتنی				گروه اجتماعی (I)	(گروه اجتماعی)
	شب	روز	میانگین در رتبه در روز	میانگین در رتبه شب		
۰/۸۷۵	۰/۴۶۵	I<J	۴۶۴۰	I<J	۴۴۲۰	مرد (۲۵-۵۹ ساله)
۰/۰۰۳	۰/۷۳۴	I>J	۵۹۵/۵	I>J	۸۳۲	مرد (۶۰ ساله و بالا)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	I>J	۱۱۰۳	I>J	۱۰۱۴	زن (۱۵-۲۴ ساله)
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	I>J	۲۵۸۴	I>J	۲۴۴۶	زن (۲۵-۵۹ ساله)
۰/۵۱۴	۰/۹۱۵	I>J	۷۶۶	I>J	۸۱۸	زن (۶۰ ساله و بالا)
۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	I>J	۸۴۰	I>J	۱۰۶۵/۵	مرد (۶۰ ساله و بالا)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	I>J	۱۶۱۴	I>J	۱۱۳۸	زن (۱۵-۲۴ ساله)
۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	I>J	۳۶۸۳	I>J	۲۹۱۵/۵	زن (۲۵-۵۹ ساله)
۰/۶۰۹	۰/۶۰	I>J	۱۰۶۵	I>J	۱۰۵۲	زن (۶۰ ساله و بالا)
۰/۰۰۰	۰/۱۴	I>J	۱۴۷	I>J	۲۹۲	زن (۱۵-۲۴ ساله)
۰/۰۰۰	۰/۰۸۵	I>J	۳۹۹	I>J	۶۷۹/۵۰	مرد (۶۰ ساله و بالا)
۰/۰۰۱	۰/۸۶۶	I>J	۱۲۶	I<J	۲۰۴	زن (۶۰ ساله و بالا)
۰/۲۹۵	۰/۱۸۱	I<J	۱۵۶۲	I<J	۱۵۲۰	زن (۲۵-۵۹ ساله)
۰/۰۳	۰/۰۰۸	I<J	۲۹۲	I<J	۲۶۴	زن (۶۰ ساله و بالا)
۰/۱۵۳	۰/۰۵۳	I<J	۶۷۶	I<J	۶۲۰	زن (۲۵-۵۹ ساله)

گروه‌های اجتماعی و استفاده از فضاهای عمومی محله نُه

در این پژوهش، خرید مایحتاج روزانه منزل، قدم زدن در محله با هدف فراغت و تفریح،

استفاده از پارک، بازدید از مکان‌های تاریخی محله، زیارت اماکن مقدس محله، استفاده از امکانات ورزشی محله، استفاده از فضای مسجد و سرای محله دکتر حسابی به عنوان فضای عمومی در نظر گرفته شد. سپس از مشارکت‌کنندگان خواسته شد در صورتی که از فضاهای مذکور استفاده می‌کنند، میزان متوسط استفاده از این فضاها را در یک ماه به طور متوسط در قالب طیف زیر شامل یک مرتبه، دو مرتبه، سه مرتبه، چهار مرتبه و بیشتر بیان کنند. جدول ۵ میانگین رتبه‌های هر یک از زیرگروه‌های موردنظر را از نظر میزان استفاده از فضاهای عمومی نشان می‌دهد.

زیرگروه مردان ۶۰ ساله و بیشتر، از فضاهای عمومی بیش‌ترین میزان استفاده را دارند، با وجود این، دامنه پراکندگی بیشتری را نیز نشان می‌دهند که بیان‌کننده الگوی رفتاری متفاوت درون‌گروهی مردان بالای ۶۰ ساله است. گروه زنان ۱۵ - ۲۴ ساله نیز کم‌ترین میزان استفاده از فضاهای عمومی را گزارش داده‌اند. در ضمن، از میان سه زیرگروه زن، زنان ۶۰ ساله و بیشتر، حضور بیشتری در فضاهای محله دارند (جدول ۴).

جدول ۴: متوسط استفاده از فضاهای عمومی در محله نُه در مدت یک ماه

انحراف استاندارد	میانگین	گروه های اجتماعی
۵/۰۱۲	۱۲/۱۷	مرد (۱۵-۲۴ ساله)
۵/۱۴۶	۱۲/۳۰	مرد (۲۵-۵۹ ساله)
۸/۱۵۲	۴۳/۱۳	مرد (۶۰ ساله و بالا)
۵/۳۳۸	۷/۱۹	زن (۱۵-۲۴ ساله)
۶/۸۹۵	۸/۷۷	زن (۲۵-۵۹ ساله)
۶/۵۶۶	۱۰/۸۰	زن (۶۰ ساله و بالا)
۶/۱۵۷	۱۰/۸۵	جمع

به‌منظور آزمون تفاوت زیرگروه‌های مورد نظر از نظر استفاده از فضاهای عمومی از آزمون کروسکال والیس استفاده شد که تفاوت معنادار میان گروه‌های اجتماعی را (سطح معناداری =



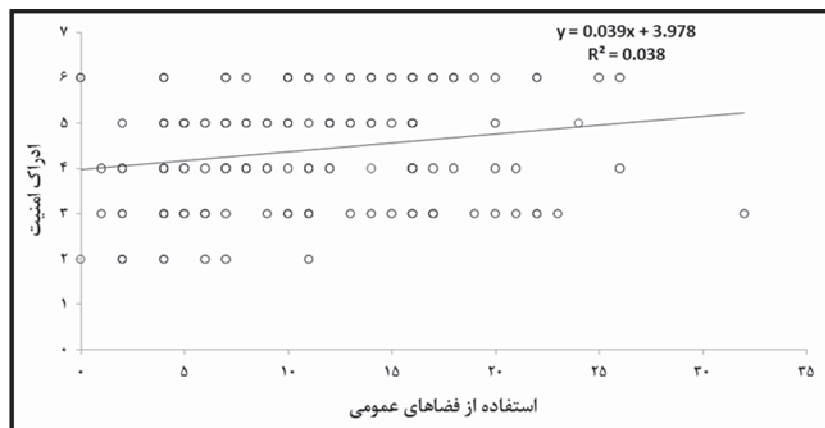
۰،۰۲، مقدار کای اسکور = ۴۹،۷۶۳ و درجه آزادی = ۵) تایید می‌کند. در ادامه، گروه‌های اجتماعی به صورت جفتی با همدیگر مقایسه شد، تا گروه‌هایی مشخص شوند که سبب معناداری تفاوت میان گروهی شده‌اند. در مجموع، به غیر از گروه زنان ۶۰ ساله و بیشتر که تفاوت معناداری با گروه مردان از نظر میزان استفاده از فضاهای عمومی نشان نمی‌دهند، مردان بیشتر از زنان از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند. زیرگروه‌های زنان هیچ تفاوت معناداری با یکدیگر از این نظر نشان نمی‌دهند. اگر چه بررسی میانگین رتبه زنان نشان داد که با افزایش سن، استفاده از فضاهای عمومی نیز افزایش می‌یابد، اما این موضوع در میان زیرگروه مردان صادق نیست (جدول ۵).

جدول ۵: مقایسه جفتی گروه‌ها از نظر میزان استفاده از فضاهای عمومی در محله نُه

گروه اجتماعی (I)	گروه اجتماعی (J)	مقدار آماره من ویتنی	میانگین رتبه	سطح معناداری
	مرد (۲۵-۵۹ ساله)	۴۶۷۹	I < J	۰/۹۷۹
	مرد (۶۰ ساله و بالا)	۷۸۵	I > J	۰/۴۸۱
مرد (۱۵-۲۴ ساله)	زن (۱۵-۲۴ ساله)	۷۶۲	I > J	۰/۰۰۰
	زن (۲۵-۵۹ ساله)	۲۰۲۳	I > J	۰/۰۰۰
	زن (۶۰ ساله و بالا)	۷۵۴	I > J	۰/۵۲۵
	مرد (۶۰ ساله و بالا)	۱۰۸۲	I < J	۰/۵۲۱
	زن (۱۵-۲۴ ساله)	۱۰۰۳	I > J	۰/۰۰۰
مرد (۲۵-۵۹ ساله)	زن (۲۵-۵۹ ساله)	۲۸۱۷	I > J	۰/۰۰۰
	زن (۶۰ ساله و بالا)	۱۰۱۳	I > J	۰/۴۶۰
	زن (۱۵-۲۴ ساله)	۲۳۱	I > J	۰/۰۰۲
	زن (۲۵-۵۹ ساله)	۵۷۷	I > J	۰/۰۱۶
	زن (۶۰ ساله و بالا)	۱۸۸	I > J	۰/۵۶۴
	زن (۲۵-۵۹ ساله)	۱۵۷۷	I < J	۰/۳۸۲
زن (۱۵-۲۴ ساله)	زن (۶۰ ساله و بالا)	۲۸۱	I < J	۰/۰۳۵
زن (۲۵-۵۹ ساله)	زن (۶۰ ساله و بالا)	۶۲۳	I < J	۰/۰۸۱

ادراک امنیت و استفاده از فضاهای عمومی

همان‌گونه که شکل ۴ نشان می‌دهد میان ادراک امنیت به عنوان متغیر مستقل و استفاده از فضاهای عمومی به عنوان متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. بر اساس ضریب همبستگی پیرسون، میزان ارتباط میان این دو متغیر برابر با ۰،۱۹۶ است که اگر چه این رابطه ضعیف، اما در سطح اطمینان ۰،۰۰۰ معنادار است. با استفاده از تحلیل رگرسیون مشخص شد که متغیر ادراک امنیت ۳،۸٪ واریانس تغییر در متغیر استفاده از فضاهای عمومی را تبیین می‌کند. ضریب رگرسیون میان متغیر ادراک امنیت اجتماعی و استفاده از فضاهای عمومی نیز برابر با ۰،۱۹۶ است.



شکل ۴: ارتباط میان ادراک امنیت اجتماعی و استفاده از فضاهای عمومی در محله نُه

عوامل اثرگذار بر مفهوم امنیت اجتماعی در محله نُه

در این بخش، اهمیت نسبی ویژگی‌های فردی، ابعاد محیط اجتماعی (انسجام اجتماعی، شبکه اجتماعی، حمایت اجتماعی)، بی‌نظمی کالبدی و بی‌نظمی‌های اجتماعی مؤثر بر ادراک امنیت اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌شود. به این منظور ابتدا روابط همبستگی متغیرها سنجیده شد و متغیرهایی حذف شدند که با متغیر ادراک امنیت اجتماعی همبستگی معنادار نداشتند (جدول ۶).



جدول ۶: متغیرهای دارای همبستگی معنادار با متغیر ادراک امنیت اجتماعی در محله نُه

مردان		زنان		
ضریب همبستگی	متغیر	ضریب همبستگی	متغیر	
**۰,۲۷۳	انسجام اجتماعی	**۰,۳۲۵	سن	1
**۰,۳۷۰	حمایت اجتماعی	**۰,۳۷۷	انسجام اجتماعی	2
*۰,۱۷۶	انسجام اجتماعی	**۰,۳۰۳	بی‌نظمی کالبدی	3
**۰,۳۲۰	بی‌نظمی کالبدی	**۰,۳۳۰	بی‌نظمی اجتماعی	4
*۰,۱۶۹	بی‌نظمی اجتماعی	-**۰,۲۳۱	در حال تحصیل	5
*۰,۱۴۱-	بازنشسته	**۰,۲۹۶	خانه‌دار	6
**۰,۲۱۷-	بیکار	**۰,۳۴۷-	محل تولد در استان تهران	7
**۰,۱۵۵-	محل تولد در شهر خارج از استان تهران	*۰,۱۷۲	حضور پلیس	8
**۰,۱۹۸	حضور پلیس			9

** = سطح معناداری برابر است با ۰,۰۱

* = سطح معناداری برابر است با ۰,۰۵

سپس، با استفاده از روش تحلیل رگرسیون گام به گام میزان وابستگی متغیر ادراک امنیت اجتماعی به هر یک از عوامل اثرگذار محاسبه خواهد شد (جدول ۷). متغیرهای اشتغال، محل تولد و وضعیت اقتصادی با توجه به ماهیت متغیرها (غیرفاصله‌ای بودن) به عنوان متغیرهای ساختگی^۱ وارد مدل شدند. متغیرهای مینا برای متغیرهای ساختگی به ترتیب متغیر شاغل، محل تولد در محله و وضعیت اقتصادی خیلی ثروتمند بودند. روش تحلیل رگرسیون برای زنان و مردان جداگانه محاسبه شد (جدول ۷).

همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد اولین معیار اثرگذار بر ادراک امنیت اجتماعی مردان عامل حمایت اجتماعی و برای زنان عامل انسجام اجتماعی است. عامل محل تولد برای هر دو گروه جنسی به عنوان عامل اثرگذار است. بر این اساس می‌توان گفت آن دسته از زنان که در

1. Dummy variable

استان تهران و آن دسته از مردان که در شهرهای خارج از استان تهران متولد شده‌اند، از نظر ادراک امنیت اجتماعی نسبت به زنان و مردانی که در محله‌ی نه متولد شده‌اند، در وضعیت پایین‌تری قرار دارند (جدول ۷).

هم‌چنین، افراد بیکار مرد نسبت به افراد شاغل از نظر ادراک امنیت اجتماعی امتیاز کم‌تری کسب کرده‌اند. بنابراین، شغل به عنوان یکی از نماگرهای وضعیت اقتصادی می‌تواند بر ادراک امنیت اجتماعی اثرگذار باشد (جدول ۷).

بر اساس جدول ۷ می‌توان گفت که متغیرهای انسجام اجتماعی، تولد در استان تهران، سن و بی‌نظمی اجتماعی ۳۷۱٪ متغیر ادراک امنیت اجتماعی در میان زنان را تبیین می‌کند؛ و متغیرهای حمایت اجتماعی، بی‌نظمی کالبدی، شبکه‌ی اجتماعی، بیکاری، حضور پلیس، بازنشسته، تولد در خارج از شهرهای استان تهران و انسجام اجتماعی ۴۸۴٪ متغیر ادراک امنیت اجتماعی را در میان مردان تبیین می‌کنند (جدول ۷).

جدول ۷: عوامل اثرگذار بر ادراک امنیت اجتماعی در محله‌ی نه

گام	زنان		مردان	
	ضریب تعیین	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب رگرسیون
۱	۰/۳۹۲ ^a	۰/۱۵۴	۰/۳۷۹ ^e	۰/۱۴۴
۲	۰/۵۱۷ ^b	۰/۲۶۴	۰/۵۰۶ ^f	۰/۲۵۶
۳	۰/۵۷۳ ^c	۰/۳۲۸	۰/۵۶۱ ^g	۰/۳۱۵
۴	۰/۶۰۹ ^d	۰/۳۷۱	۰/۶۰۹ ^h	۰/۳۷۱
۵			۰/۶۴۴ ⁱ	۰/۴۱۵
۶			۰/۶۷۹ ^j	۰/۴۶۸
۷			۰/۶۸۴ ^k	۰/۴۶۸
۸			۰/۶۹۶ ^l	۰/۴۸۴

متغیرهای مستقل (زنان): انسجام اجتماعی (a)، تولد در استان تهران (b)، سن (c)، بی‌نظمی اجتماعی (d)، متغیرهای مستقل (مردان): حمایت اجتماعی (e)، بی‌نظمی کالبدی (f)، شبکه‌ی اجتماعی (g)، بیکاری (h)، حضور پلیس (i)، بازنشسته (j)، تولد در خارج از شهرهای استان تهران (k)، انسجام اجتماعی (l)



بحث و نتیجه‌گیری

مرکز شهر یک فضای عمومی است. امر مسلم این است که ساکنان باید بتوانند بدون توجه به شرایط جنسی و سنی به این فضاها دسترسی داشته باشند. با وجود این، ویژگی‌های محیط اجتماعی، بی‌نظمی‌های اجتماعی و کالبدی بصری و ویژگی‌های فردی موجب تفاوت میان گروه اجتماعی مردان و زنان از نظر ادراک امنیت اجتماعی و به تبع آن، استفاده از فضاهای عمومی می‌شود. مرکز شهرها به دلیل کاهش مرکزیت عملکردی، فقدان سرمایه‌گذاری در ساختمان‌ها، انتقال خانه‌ها به جمعیت اغلب کم‌درآمد و تقسیم مجدد خانه‌های اجاره‌ای به ابعاد کوچک‌تر به منظور جبران شکاف میان اجاره زمین بالقوه و بالفعل از نظر ویژگی‌های محیط اجتماعی، بی‌نظمی‌های اجتماعی و کالبدی بصری و ویژگی‌های فردی شرایط خاصی دارند. همان‌گونه که پژوهش نشان داد این امر بر نحوه ادراک امنیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی و استفاده از فضاهای عمومی توسط آن‌ها تأثیر یکسانی ندارد. هم‌چنان که ملاحظه شد گروه‌های مورد مطالعه از نظر ادراک امنیت اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند. برخلاف گروه مردان، در میانگین رتبه گروه زنان، آن‌ها از نظر ادراک امنیت با افزایش سن بالا می‌رود. به‌طوری‌که زیرگروه زنان ۱۵-۲۴ تفاوت معناداری با زیرگروه زنان ۶۰ ساله و بیشتر داشت. در حالی که در گروه مردان بر عکس این امر صادق است و گروه مردان ۶۰ ساله و بیشتر از نظر ادراک امنیت اجتماعی در روز با زیرگروه مردان ۲۵-۵۹ ساله تفاوت معناداری داشت.

همان‌طور که وضعیت زیرگروه زنان ۶۰ ساله و بیشتر از نظر ادراک امنیت بهتر است، از نظر استفاده از فضای عمومی نیز تفاوت معناداری با گروه مردان نشان نمی‌دهند که یکی از دلایل آن این است که تهدیدات جنسی در این سن نیز کاهش می‌یابد، اما در مجموع، مردان بیشتر از زنان از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند. اگر چه بررسی میانگین رتبه زنان نشان داد که با افزایش سن، استفاده از فضاهای عمومی نیز افزایش می‌یابد، اما این تفاوت معنادار نیست. ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که میان ویژگی استفاده از فضاهای عمومی و ویژگی ادراک امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

محلۀ نه از جمله محله‌های شهر تهران است که به دلیل وجود بازار، جمعیت ساکن (کارگران فصلی) و شناور (جمعیتی که روزانه وارد آن می‌شود) آن از تحرک بسیار بالایی بهره‌مند است. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که محیط اجتماعی آن آسیب‌پذیری بالایی دارد.

با توجه به جدول ۷ و تجزیه و تحلیل عوامل اثرگذار بر ادراک امنیت اجتماعی گروه زنان و مردان نشان داد که مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار، متغیرهای مرتبط با محیط اجتماعی است. با وجود این، متغیرهای مرتبط با عامل محیط اجتماعی تأثیر یکسانی بر ادراک امنیت اجتماعی زنان و مردان نداشت. به طوری که انسجام اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را بر ادراک امنیت اجتماعی زنان و حمایت اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را بر ادراک امنیت مردان داشت.

متغیر بی‌نظمی اجتماعی و کالبدی نیز از نظر گروه‌های مورد مطالعه تأثیر یکسانی بر ادراک امنیت اجتماعی نداشت. گروه اجتماعی زنان از بی‌نظمی‌های اجتماعی تأثیرپذیر بود. شاید یکی از دلایل این بود که بی‌نظمی‌های اجتماعی را عمدتاً گروه مردان انجام می‌دهند. در مقابل گروه مردان از بی‌نظمی کالبدی تأثیرپذیر بودند. که احتمالاً به دلیل آن است که مردان بیش‌تر در فضاهای محله حضور دارند و ممکن است تا بخشی از تاریکی شب نیز در محله رفت و آمد داشته باشند؛ بنابراین، از بی‌نظمی کالبدی بیش‌تر متأثر می‌شوند.

بررسی ویژگی‌های فردی زنان و مردان نشان داد که اگر چه متغیر سن برای مردان یک متغیر اثرگذار نبود، اما زنان ۶۰ ساله و بیش‌تر ادراک امنیت بهتری داشتند و از فضای عمومی نیز بیش‌تر استفاده می‌کردند. یعنی با افزایش سن زنان، ادراک امنیت و استفاده از فضاهای عمومی بهتر می‌شود. زیرا تجربه‌های فردی بر ادراک آن‌ها و ادراک بر رفتار تأثیر می‌گذارد. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل این امر این است که تهدیدات جنسی علیه زنان ۶۰ ساله و بیش‌تر نیز کمتر می‌شود.

هم‌چنین زنانی که در محله متولد شده بودند نسبت به آن‌هایی که در استان تهران متولد شده بودند ادراک امنیت بهتری داشتند. هم‌چنین، مردانی که در محله متولد شده بودند در مقایسه با مردانی که در شهرهای خارج از استان تهران متولد شده‌اند، ادراک امنیت بهتری دارند. ادراک امنیت و میزان وقوع جرم دو مقوله مجزا از یکدیگر هستند. ممکن است یک محله از نظر میزان وقوع جرم آمار بالایی نداشته باشد، اما ادراک امنیت به دلیل مواردی مانند بی‌نظمی‌های کالبدی محله، پایین باشد. بنابراین، ممکن است کسانی که در محله متولد شده‌اند، شناخت درست‌تری نسبت به میزان وقوع جرم در محله داشته باشند. اگر چه تعلق مکانی این افراد به محله و میزان آشنایی بیشتر با ساکنان نیز می‌تواند مؤثر باشد. در این پژوهش، متغیرهای شغل، سواد و وضعیت اقتصادی افراد هیچ تأثیری بر ادراک امنیت اجتماعی افراد نداشت.



منابع

- اتحادیه، منصور (۱۳۷۴). رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری (۱۲۶۹ - ۱۳۲۰ ه.ق.)، تحقیقات اسلامی، سال دهم، شماره ۱ و ۲، صص ۱۴۵-۱۷۴
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۰). روابط متقابل شهر و روستا در ایران، تهران: پیام نور.
- رهنمایی، محمدتقی؛ شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۳). فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: سمت.
- شماعی، علی؛ پوراحمد، احمد (۱۳۸۴). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران: دانشگاه تهران.
- شهرداری تهران (۱۳۸۱). بررسی مسائل توسعه شهری منطقه دوازده، تهران: مطالعات سازمان فضایی و سیمای شهری.
- مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه پیام نور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۹). جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه شاهپور گودرزی‌نژاد، تهران: سمت.
- حسینی، فرزانه (۱۳۸۷). بررسی معیارهای فیزیکی و عملکردی بر شاخص امنیت در فضاهای عمومی شهری - پارک دانشجو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ضابطیان طرقي، الهام (۱۳۸۷). شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر ارتقا امنیت زنان در محیط شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس.
- خاموشی، طاهره (۱۳۸۷). نقش طراحی شهری در مکان‌های با توجه به ارتقا الگوی رفتار اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس.
- Acierno A & Mazza A. (2009). Urban Safety and Public Space: The Case of Naples, www.cityfutures2009.com.
- Austin D. Mark a., L.Allen Furr & Michael Spine.(2002). The Effects of Neighborhood Conditions on Perceptions of Safety , *Journal of Criminal Justice* , vol.30, pp.417-427.

- Cadwallader, M. T. (1985). *Analytical Urban Geography: Spatial Patterns and Theories*. New Jersey: Prentice Hall.
- Callanan Valerie J. & Brent Teasdale. (2009). An Exploration of Gender Differences in Measurement of Fear of Crime, *Feminist Criminology*, Vol.4(4), pp.359-376.
- Carmichael, F., Ward, R.(2001). Male Unemployment and Crime in England and Wales, *Economics Letters*, Vol 73, pp.111-115.
- Ferguson Kristin M. & Charles H. Mindel(2007). Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods : A Test of Social Capital Theory, *Crime & Delinquenc*, Vol.53 , pp.322-349.
- Franklin Cortney A. & Travis W. Franklin. (2009). Predicting Fear of Crime: Considering Differences across Gender, *Feminist Criminology*, Vo 4(1), pp.83-106.
- Janice Joseph. (1997). Fear of Crime Among Black Elderly, *Journal of Black Studies*, Vol. 27(5), pp. 698-717.
- Jesus, Maria De, Elaine Puleo, Rachel C. Shelton, & Karen M. Emmons (2010). Association between Perceived Social Environment and Neighborhood Safety: Health Implication, *Health & Place*, Vol.16, pp.1007-1013.
- Kawachi Ichiro, Bruce P. Kennedy, Richard G. Wilkinson.(1999). Crime: Social Disorganization and Relative Deprivation, *Social Science & Medicine*, vol.48, pp.719-731.
- Koskela Hille & Rachel Pain(2000). Revisiting Fear and Place: Women's Fear of Attack and the Built Environment, *Geoforum*, 31, 269-280.
- Madanipour Ali (2003). *Public and Private Spaces of the City*, Routledge Publisher, USA and Canada.
- Matsueda Ross L.(2010).Differential Association Theory, www.soc.washington.edu
- May David C., Nicole E. Rader & Sarah Goodrum. (2010). A Gendered Assessment of the "Threat of Victimization": Examining Gender Differences in Fear of Crime, Perceived Risk, Avoidance, and Defensive Behaviors, *Criminal Justice Review*, Vol.35(2), pp.159-182.
- Meltzer Howard, Panos Vostanis, Robert Goodman, &Tamsin Ford. (2007). Children's Perceptions of Neighbourhood Trustworthiness and Safety and Their Mental Health, *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, Vol.48(12), pp.1208-1213.
- Nayak Anoop.(2003). Through Children Seyes :Childhood, Place and the Fear of Crime, *Geoforum*, 34, pp.303-315.
- Nayak Anoop. (2003). Through Children's Eyes': Childhood, Place and the Fear of Crime, *Geoforum*, Vol.34, pp.303-315.
- Nellis Ashley Marie. (2009). Gender Differences in Fear of Terrorism, *Journal of Contemporary Criminal Justice*, Vol. 25 (3), pp. 322-340.
- Nielsen Ingrid & Russell Smyth.(2008). Who Wants Safer Cities? Perceptions of



- Public Safety and Attitudes to Migrants among China's Urban Population .
International Review of Law and Economics, Vol.28, pp.46-55.
- Oh Joong-Hwan.(2005). Social Disorganizations and Crime Rates in U.S. Central Cities: toward an Explanation of Urban Economic Change, *The Social Science Journal* , Vol.42, pp.569–582.
- Pain, Rachel. (1995). Social Geography of Women's Fear of Crime, *Institute of British Geographers*, Vol. 22(2), pp.231-244.
- Pain, Rachel; Townshend Tim. (2002). A Safer City Centre for All? Senses of 'Community Safety' in Newcastle, *Geoforum*. Vol.33 (1). pp. 105-119.
- Valentine Gill(1989). The Geography of Women's Fear, *Area*, Vol. 21, No. 4, pp. 385-390.
- Ward Russell A., Mark LaGory, Susan R. Sherman. (1998).Fear of Crime among the Elderly as Person/Environment Interaction, *The Sociological Quarterly*, Vol. 27(3), pp. 327-341.

نویسندگان

دکتر ابوالفضل مشکینی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس. تاکنون از ایشان حدود ۷ جلد کتاب در قالب تألیف و ترجمه بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری و از زنان تا زنجان، چندین مقاله بین‌المللی و داخلی در فصلنامه های مختلف علمی-پژوهشی منتشر شده است. هم چنین ایشان در حال حاضر داوری مجلات علمی و پژوهشی مانند برنامه ریزی و آمایش فضا ایران و فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ایران را به عهده دارند.

حجت اله رحیمی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران. از موضوعات مورد علاقه او ادراک امنیت محله‌ای و استفاده از فضاهای عمومی است. تاکنون، از ایشان یک مقاله بین‌المللی با عنوان *Changes in population settlement pattern in urban system of Tehran province (1966 to 2006)* منتشر شده است و هم چنین سه مقاله علمی پژوهشی در فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، فصلنامه آمایش و برنامه‌ریزی فضا و مدیریت شهری پذیرش و منتشر شده است.

دکتر اسماعیل صالحی

دانشیار گروه برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست دانشگاه تهران. تاکنون از ایشان کتاب‌هایی مانند «ویژگی‌های محیطی فضاهای امن شهری» و چندین مقاله بین‌المللی و داخلی در فصلنامه‌های مختلف علمی-پژوهشی مانند در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست و ایمنی و امنیت شهری منتشر شده است.